

شکر خدا گودرزی و ایلیا منفرد از نمایش «عشق من حامد بهداد» به «صبا» می‌گویند

نمایشی دلپذیر به صرف جای!

زهراسادات مصطفوی

گفت‌وگو

خسرو احمدی و ایلیا منفرد در نمایش «عشق من حامد بهداد» به کارگردانی شکر خدا گودرزی به ایفای نقش می‌پردازند. شکر خدا گودرزی در جدیدترین تجربه کارگردانی خود نمایش «عشق من حامد بهداد» نوشته افشین هاشمی را در خانه موزه انتظامی روی صحنه می‌برد. این نمایش با بازی خسرو احمدی و ایلیا منفرد، به صورت محیطی در بام خانه‌موزه انتظامی اجرا می‌شود. این نخستین نمایش پس از ۲۴ سال است که در آن خسرو احمدی و ایلیا منفرد در کنار هم به ایفای نقش می‌پردازند. در این اجرا، یک عشق سینما در کافه‌سینما (بام خانه موزه انتظامی) جایی که می‌تواند بعضی هنرپیشه‌ها را ببیند، روی نیمکتی نشسته است و منتظر شروع تئاتری در سالن بلک‌باکس پایین است. او در جایی خوانده: «همه از تئاتر شروع کردن، رفتن جای بهتر، بزرگ‌تر و آبرومندتری که اسمش سینماست!» به همین بهانه گفت‌وگویی با شکر خدا گودرزی؛ کارگردان و ایلیا منفرد؛ بازیگر این نمایش، داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

شکر خدا گودرزی:

تجربه کردن کار پدیده‌ی نیست

چطور شد که شما بعد از نمایش موفق «سهروردی» این اثر را روی صحنه بردید و فضای‌های متفاوت را در تئاتر تجربه می‌کنید؟

برای فردی مانند من تجربه کردن کار بدی نیست. من مدت‌ها پیش نمایشنامه خواجه نصیرالدین توسی را به تالار وحدت ارائه کردم و تا امروز پاسخی از این بابت دریافت نکردم. با توجه به اینکه این نمایشنامه در خور زمان حال حاضر و فرهنگ غنی کشور ماست اما بعد از عدم پاسخگویی مدیران تالار وحدت، تصمیم گرفتم این متن را که زمینه‌ای از نمایش‌های آمریکالائین و اسپانیا را در خود دارد را روی صحنه ببرم. به نظر من شکلی از تئاتر که می‌تواند با مخاطب ارتباطی واسطه‌تری داشته باشد و جزو تئاترهای نامرئی است، بسیار مخاطب را با خود همراه می‌کند و او نیز در روند نمایش موثر است. این شکل و شمایل از کار برای خود من نیز به‌عنوان کارگردان جذاب و چشمگیر بود. نکته مهم دیگر برای من مردم بودند؛ حقیقت امر این است که این روزها حال مردم خیلی خوب نیست و آن‌ها نیاز به شاد بودن و خندیدن دارند و این متن در کنار حرف‌های خود طنز سیاسی اجتماعی جالبی دارد. مسئله مورد اهمیت برای ما استقبال افرادی بود که شاید تا به حال تئاتر ندیده بودند و همچنین دست‌اندرکاران این عرصه و احساس خوب آن‌ها انرژی ما را برای کار بسیار بالا می‌برد.

چرا خسرو احمدی و ایلیا منفرد را برای دو کاراکتر داستان انتخاب کردید؟

ایلیا منفرد حدود سی سال پیش هنرجوی من و فارغ‌التحصیل رشته تئاتر بوده است و چندین کار تئاتر را در کارنامه کاری خود دارد. شاید چهره او در موسیقی شناخته‌شده‌تر باشد اما او به‌خوبی توانایی انجام دو کار بازیگری و خوانندگی را دارد و دلیل انتخاب او هم شاید همین دلیل بوده است. همچنین دوستی چندین ساله‌ای میان این دو بازیگر از قبل وجود داشت، حال آن‌ها کنار یکدیگر خوب بود و همین مسئله هم بسیار برای من قابل اهمیت بود و فکر می‌کنم به نوعی در این زمینه رندی کرده‌ام!

شما اجرایی که سال ۹۱ برای اولین بار از این نمایشنامه

توسط افشین هاشمی صورت گرفت را دیده بودید؟

بله، آن اجرا را دیده‌ام.

آیا مخاطب به‌خوبی با اثر شما ارتباط برقرار کرده و کم‌دی این کار توانسته تماشاگران را تا انتها نمایش با خود همراه کند؟

بله، بسیار حتی به مراتب بیشتر از اجرای اولیه آن. من تغییرات کوچکی را با توجه به نگاه خودم در متن ایجاد کردم و خوشبختانه استفاده از توانایی موسیقایی منفرد بسیار در پیشبرد روند متن موثر بوده است.

اگر نکته‌ای هست به‌عنوان سخن پایانی بفرمایید.

معضلات و مشکلات تئاتر بسیار زیاد است اما من ترجیح می‌دهم زمانی که گفت‌وگویی پیرامون یک اثر صورت می‌گیرد، دوستان رسانه قبل از آن به دیدن نمایش بنشینند تا بهتر و آسان‌تر بشود درباره موضوعات اثر صحبت کرد.

ایلیا منفرد:

ملاک من نظرات بزرگان تئاتر است

لطفا یک مقدار از ویژگی‌های نقش خودتان در این نمایش بفرمایید.

کارگردان این اثر، شکر خدا گودرزی پیش‌تر در دانشگاه استاد من بود. او این کار را به فراخور نقش و همراه بودن بخش‌های موسیقی در کنار آن برای من در نظر گرفت. متن نمایشنامه از جذابیت‌های بالایی برخوردار است که ایفای آن برای من نیز جالب بود. همچنین با وجود خسرو احمدی به‌عنوان بازیگر مقابل که ۲۴ سال پیش ما در تئاتر شهر در کنار یکدیگر یک کار تئاتر کرده بودیم، اشتیاقم برای بازی در این نقش بیشتر شد و آن را پذیرفتم.

شما تجربه کار کردن در فضاهای گوناگون از جمله موسیقی و تئاتر را داشته‌ و دارید لطفا یک مقدار از این تجربه‌های متفاوت کاریتان بفرمایید.



من تجربه کار نقاشی، مجسمه‌سازی، چندین فیلم و سریال‌سازی و موسیقی را در کارنامه کارهای هنری خود دارم و نام همه آن‌ها را برون‌ریزی شخصی می‌گذارم و هیچ تفکیکی برایشان قائل نیستم. در سال‌های گذشته به دلایل نامشخص اجازه کار موسیقی به من داده نشد و در نهایت به این نتیجه رسیدم که مدیران هنری در آن زمان دست به انتخاب‌های سلیقه‌ای زده بودند. زمانی که من متوجه شدم امکان کار موسیقی برای من مهیا نیست ترجیح دادم به فعالیت‌های هنری خود در زمینه‌های دیگر بپردازم. بازیگری بخشی از زندگی من است زیرا از کودکی با آن بزرگ شده‌ام، در ادامه نیز با همکاری گودرزی در یک کار کودک وارد این فضا شدم. دو سال پس از آن در دانشگاه کارگردانی خواندم و چندین کار نمایشی از جمله «عروسی خون»، «دزد دریایی»، «مرد نیک»، «بر پهنه دریا»، «کولبار»، «قایق‌ران»، «خون‌آشام کشی» و «عشق من حامد بهداد» را کار کرده‌ام. این همکاری آخر با گودرزی پنجاه‌دومین کاری بود که انجام دادم و نکته جالب در این باره این که فعالیت‌های موسیقایی‌ام آن قدر بر دیگر کارها سایه انداخته بود که خیلی از دوستان از دیگر کارهای من آگاه نبودند.

استقبال مخاطبان از نمایش شما چطور بوده است؟

استقبال به‌طور کل به دو دسته عوام و خواص تقسیم می‌شود که مقداری با یکدیگر تفاوت دارد. مردم غیرهنرمند شاید نگاهی تفریحی به هنر نمایش داشته باشند ولی هنرمندان با یک دید انتقادی به تماشای یک اثر می‌نشینند. برای من باعث افتخار و پشتوانه بود که بزرگانی چون مسعود کیمیایی، بهزاد فراهانی، سیاوش طهمورث، شهرام گیل‌آبادی و داود موثقی از کار من تعریف کردند و من باور کردم که کارهایم دیده می‌شود. مردم هم نظرات خود را داشته‌اند اما ملاک من نظرات بزرگان این عرصه است.

تجربه همکاری با آقای گودرزی برای شما چطور بود؟

تجربه بسیار خوبی بود ما پیش از این که بخواهیم وارد کار شویم دوست یکدیگر هستیم. من همیشه سعی کرده‌ام روحیه هنرجویی را در خود تقویت کنم و از این که در کنار خسرو احمدی و شکر خدا گودرزی بودم بسیار احساس خوشحالی داشتم. من چه در نمایش‌های گسترده مانند «عروسی خون» و چه اثری مانند «خون‌آشام کشی» که شامل دو پرسوناژ بوده است بیشتر به اطرافم نگاه کرده و آموخته‌ام.

